

متن پیاده سازی شده جلسه دوازدهم سال اول درس خارج فقه العروة الوثقی - 22 مهر 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

صفحات 7 و 8: [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

در جلسه قبل پرسیده شد، آیا کتابی برای توضیح اصطلاحات فقهی فقها وجود دارد؟

پاسخ: برخی از فضلا کتاب «آشنایی با اصطلاحات فقها» نوشته «آقای حسین زاده» را معرفی کرده- اند که بنده آن را ندیده‌ام و انشالله که باید کتاب وزین و محترمی باشد.

مسأله 5

«في مسألة جواز الاحتياط يلزم أن يكون مجتهداً أو مقلداً لأنَّ المسألة خلافية».

بحث پیرامون «مسأله 5» بود که دو فقره داشت:

1- در مسأله جواز احتیاط یا باید مجتهد بود یا مقلد.

2- علت فقره نخست آن است که مسأله جواز عمل به احتیاط، اختلافی است.

فقره نخست

در روز چهارشنبه نسبت به فقره نخست بیان شد: در جواز عمل به احتیاط نمی توان احتیاط کرد، پس یا باید مجتهد بود یا مقلد که توضیحات این مطلب گذشت.

اما دو نفر از بزرگان سیدان علمان (آیت الله حکیم و آیت الله خوئی) نسبت به این فقره فرمایش ذیل را دارند:

آیت الله حکیم: «لا ريب في أن الاكتفاء بالاحتياط في نظر العقل إنما هو لكونه موجبا للعلم بأداء الواقع المؤدي إلى الأمن من تبعه مخالفته. فإذا أدرك عقل المكلف ذلك كان مجتهداً في مسألة جواز الاحتياط حينئذ و لزم الاكتفاء به، و إلا امتنع الاكتفاء به. إلا أن يدرك عقله حجية رأي الغير، فيفتي له بجواز الاحتياط، فيكتفي به أيضاً.»

ایشان در این بیان خود می فرماید: شخصی که می خواهد احتیاط کند به عقل خود مراجعه می نماید و عقل او به وی می گوید:

در عمل به احتیاط، تأمین خاطر از عقاب نداری، پس اگر می خواهی احتیاط نمایی باید امنیت خاطر پیدا کنی. وی پس از این حکم عقل درمی یابد که احتیاط بهترین راه برای رسیدن به واقع است و عقل به او می گوید: چه مؤمنی بهتر از احتیاط که بهترین راه برای رسیدن به واقع می باشد. از این رو وی در عمل به احتیاط، امنیت خاطر از عقاب یافته و حکم به جواز آن می-نماید.

آیت الله حکیم از چنین سیری که شخص مکلف جهت یافتن امنیت خاطر در عمل به احتیاط دریافت می کند، تعبیر به

«اجتهاد» می نماید که در واقع شخص محتاط با اجتهاد و رأی خود به جواز احتیاط رسیده است.

ایشان می فرماید: ممکن است عقل چنین شخصی بگوید یا احتیاط کن یا به تقلید عمل نما؛ اینکه سید ماتن (محقق طباطبایی

صاحب عروه) فرمود در جواز عمل به احتیاط یا باید اجتهاد کنی یا تقلید، یعنی باید به عقل رجوع نمایی که اگر عقل به احتیاط

حکم کند باید احتیاط نماید و اگر عقل به حجیت تقلید و رأی غیر حکم کند و رأی غیر به جواز احتیاط حکم نماید، عمل به

احتیاط جایز است.

اشکالی که به آیت الله حکیم وارد می شود این است که ایشان با تصرف در اصطلاح اجتهاد (که چون این شخص با ادراک

عقل، حکم به جواز احتیاط یا تقلید می‌کند؛ پس وی مجتهد است). این در حالی است که اصطلاح اجتهاد در میان فقها، «استفراغ و سع و رجوع به ادله فقهی برای دریافت حکم شرعی» است و چون عمل به احتیاط، اجتهاد و تقلید، در سلسله معالیل بوده نه در سلسله علل و پس از کشف حکم می‌باشد نه قبل از کشف حکم، اجتهاد و ادراک عقل در این امور، ملازم با حکم شرعی نیست، پس نمی‌توان چنین کسی را که به عقل خویش رجوع کرده و حکم به جواز احتیاط یا تقلید کرده است، مجتهد مصطلح در فقه دانست.

آیت الله خوئی: «أن العقل یری وجوب دفع الضرر المحتمل بمعنی العقاب و یجب أن یكون المکلف مأمونا من جهة فلا مناص من أن یستند فی جوازه إلى التقلید أو الاجتهاد، إذ لا مؤمن غیرهما. و بما ذکرناه یظهر أن طرق الامتثال و ان مرّ أنها ثلاثة إلا أنها فی الحقیقة منحصرة بالتقلید و الاجتهاد بل بخصوص الاجتهاد».

ایشان فرموده عجبی دارند مبنی بر اینکه در مسأله نخست گفته شد: مکلف برای عمل به احکام یا باید مقلد باشد، یا مجتهد یا محتاط؛ لکن اگر دقت شود و آخر کار مورد بررسی قرار گیرد، تنها راه اجتهاد باقی می‌ماند؛ زیرا مکلف بر اساس مراجعه به عقل خود احتیاط یا تقلید می‌کند که در واقع عمل به احتیاط یا تقلید بر اساس اجتهاد مکلف است که به جهت حکم عقل دریافت کرده است. پس اگر احتیاط می‌کند به جهت اجتهاد است و اگر تقلید می‌کند باز هم به جهت اجتهاد می‌باشد و اگر هم اجتهاد می‌کند که اجتهاد است.

اشکالی که به فرموده ایشان وارد است، همان اشکال بر آیت الله حکیم می‌باشد؛ یعنی ایشان نیز با تصرف در معنای اصطلاحی اجتهاد این اشکال را وارد کرده‌اند.

فقره دوم

در فقره دوم بحث بر سر تعلیلی بود که سید ماتن برای لزوم اجتهاد یا تقلید در مسأله جواز به احتیاط عنوان کردند. اکنون این پرسش مطرح است که آیا این تعلیل ارتباطی به قبل از خود دارد یا خیر؟ برای پاسخ لازم است فرموده سید ماتن تحلیل شود: عبارت ایشان در مسأله 5 به دو قضیه سالبه و موجبه بازگشت می‌کند: قضیه سالبه: در مسأله جواز عمل به احتیاط، احتیاط جایز نیست. قضیه موجبه: در مسأله جواز به احتیاط یا باید مجتهد بود یا مقلد.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود: تعلیل سید ماتن به کدام یک از دو قضیه متعلق است؟ آیا به قضیه سالبه نظر دارد (در مسأله جواز عمل به احتیاط، احتیاط جایز نیست، چون مسأله اختلافی است و فحولی نظیر نائینی مخالف احتیاط هستند و حتی برخی نسبت به عبادات ادعای اجماع بر منع احتیاط کرده‌اند.) یا به قضیه موجبه (در مسأله جواز به احتیاط یا باید مجتهد بود یا مقلد؛ چون مسأله اختلافی است.)؟ یا اینکه نظر به هر دو قضیه دارد؟

علمایی با توجه به اینکه در اصل مسأله دقت دارند اما در بیان خود دقت نکرده و صرفاً اشکال را مطرح کرده‌اند که عمده‌ترین اشکال برای آیت الله حکیم است و عموم اشکالات به اشکال ایشان بازگشت دارد. آیت الله حکیم دو اشکال ذیل را مطرح کرده‌اند:

1- اینکه مسأله مورد قبول همه یا مورد اتفاق همگان باشد، نمی‌تواند جواز اکتفا به اجتهاد یا تقلید در عمل به احتیاط باشد. بنابراین نظر ایشان آن است که تعلیل به معلل ارتباطی ندارد و علت نمی‌تواند باشد. از این رو بهتر بود به جای این تعلیل چنین گفته می‌شد: در مسأله جواز عمل به احتیاط باید مقلد یا مجتهد بود؛ چون اگر مکلف اجتهاد یا تقلید نکند، مؤمن از عقاب ندارد و هر مکلفی لازم است در عمل خود امنیت خاطر از عقاب داشته باشد و برای دریافت این ایمنی در عمل به احتیاط، لازم است مجتهد یا مقلد باشد. پس ماتن نباید روی اختلافی بودن مسأله نظر می‌داشت، بلکه باید می‌گفت عقل من یعنی عقلی که می‌گوید باید مؤمن از عقاب داشته باشی، در مسأله جواز احتیاط حکم می‌کند مجتهد یا مقلد باشم.

2- آیا این تعلیل «چون احتیاط، اختلافی است پس یا باید مقلد بود یا مجتهد»، در تقلید هم جاری است؟ زیرا تقلید نیز اختلافی می‌باشد و برخی حکم به حرمت تقلید و وجوب اجتهاد داده‌اند. اکنون آیا جایز است در جواز تقلید گفته شود که مکلف یا باید مجتهد باشد یا مقلد؟ آیا برای جواز عمل به تقلید می‌توان به تقلید رجوع کرد؟ لازمه تعلیل سید ماتن در «مسأله 5» آن است که در جواز تقلید هم می‌توان تقلید کرد؟! که این غلط است. به بیان دیگر لازمه نظر سید آن است که در هر مسأله ای که اختلافی است باید تقلید یا اجتهاد کرد که مسأله تقلید هم از جمله مسائل اختلافی است.

همانطور که بیان شد عمده اشکال فقها به اشکال آیت الله حکیم بازگشت دارد و برخی از ایشان به طور کلی چنین گفته‌اند: «التعلیل علیل» اما مشخص نکرده‌اند که وجه علیل بودن این علت چیست؟ یا اینکه برخی از ایشان مانند آیت‌الله مرعشی نجفی بدون هیچ توضیحی فرموده‌اند: «لا مساغ لهذا التعلیل بعد انتقاضه طرداً و عکسا (راهی برای پذیرش این تعلیل نیست، بعد از آنکه جامعیت افراد و مانعیت اغیار آن نقض شد.)»

پاسخ اشکالات

به نظر ما نظر سید ماتن صحیح است. در داوری بین دو نظر سیدین (سید یزدی محقق طباطبایی و آیت‌الله حکیم) گفته می‌شود: هر کدام از ایشان نظر به مطلبی دارند و فرموده هر دو درست است و اشکال آیت‌الله حکیم وارد نیست؛ به جهت آنکه تعلیل سید ماتن نظر به مطلب دیگری دارد.

نظر آیت الله حکیم

فرموده آیت الله حکیم نظر بر «مُدْرک» یعنی عقل دارد؛ یعنی اگر از کسی پرسیده شود در مسائل اختلافی چه باید کرد؟ عقل به عنوان حاکم، حکم به اجتهاد یا تقلید می‌کند تا ایمنی از عقاب حاصل شود. پس نظر سید بر حاکم یا مُدْرک است که همان عقل باشد.

نظر سید ماتن

فرموده محقق طباطبایی نظر به زمینه مسأله مذکور و دو قضیه سالبه و موجبه دارد؛ یعنی اگر از کسی پرسیده شود، زمینه اجتهاد و تقلید کجا است؟ می‌گوید در مسائل اختلافی! پس عبارت سید ماتن نظر به زمینه دارد. به همین جهت هم فرموده سید و هم فرموده آیت الله حکیم درست است؛ لکن نظر هر کدام از ایشان به مطلب دیگری است، لذا اشکال آیت الله حکیم بر سید وارد نیست.

از این رو می‌گوییم: «ثم الذی یجب الاتفات الیه ان السید الماتن فی بیان المسأله لیس بصدد بیان وجه اللزوم من جهة الحاکم به و المدرك اياه بل بصدد بیان أرضیة ما ذکر سلباً و ايجاباً و اقتضائه و بذلك تعرف أن ما ذکره السید الحکیم من الدخيلین علی مقالة الماتن غیر وارد علیه.»

اما پاسخ اشکال دوم مبنی بر اینکه «تقلید هم اختلافی است؛ یعنی اکنون در تقلید اجازه می‌دهید، اجتهاد یا تقلید کنیم» برای فردا می‌ماند.

آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین